

## تعریف موسیقی

تعریف موسیقی در محاورات عمومی به دو معنا به کار می رود:

موسیقی عبارت است از فن ترکیب اصوات، به گونه ای که مستمع از آن خوشش بیاید. بنابراین هر صوتی که در آن، کیفیت زیر و بم های صدا و شدت و ضعف هایی که به صوت داده می شود، موجب شود که مستمع از آن لذت ببرد، به آن موسیقی می گویند؛ چه از حنجره انسان خارج شود، چه از آلات موسیقی و چه از حنجره حیوانی؛ مثل نغمه بلبل یا قناری. حتی گاهی گوینده ای در کلام معمولی خود زیر و بم، و شدت و ضعفی ایجاد می کند که تبدیل به موسیقی می شود. ( مکاسب محرمه، ج ۳۱۵، ص ۳ )

معنای دیگری که در عرف برای موسیقی ذکر می کنند، همان صداهای برخاسته از سازهاست. ( مکاسب محرمه، ج ۳۱۵، ص ۴ )

البته مقصود از صدا، صدای متعارف خود آن ساز است. نه اینکه کسی فقط به طور نامنظم به سیم ها و تارهای آن زخمه و مضراب بزند. بنابراین مراد از صدای ساز این است که نوازنده ای حرفه ای این را بنوازد. ( مکاسب محرمه، ج ۲۹۹، ص ۷ )